

کمپین پشتیبانی از کارگران را باید گسترده تر و مداوم تر کرد!

بهرام رحمانی

bamdadpress@teia.com

یکی از سیاست‌های دایمی جمهوری اسلامی، به عنوان یک رژیم بورژوا اسلامی، استثمار شدید کارگران و کنترل این جنبش عظیم از طریق خانه کارگر، شوراهای اسلامی و نیروی بسیج در کارخانه‌ها است. اما جمهوری اسلامی تاکنون به جز یک مورد جرات نکرده بود کارگران را به گلوله ببندد. نیروهای انتظامی به تجمعات کارگران حمله می‌کردند؛ آنان را مورد ضرب و شتم، زندان، شکنجه و اعدام قرار می‌دادند. از این رو حمله وحشیانه گارد ویژه از زمین و هوا به کارگران متحصن اخراجی مجتمع ذوب مس خاتون آباد و به دنبال آن به خاک و خون کشیدن اعتراض کارگران و مردم محروم و تحت ستم شهر بابک، خبر از سیاست جدید رژیم در قبال جنبش کارگری و اعتراضات توده‌ای می‌دهد. اتخاذ چنین سیاستی از یک سو نشان‌دهنده ضعف کل رژیم و کشمکش و ناتوانی‌های جناح‌هایش در برگزاری انتخابات مجلس هفتم و از سوی دیگر ترس و نگرانی‌شان از رشد و گسترش اعتراضات کارگری و توده‌ای است. این جنایت هولناک رژیم را نباید بی‌جواب گذاشت و به چند آکسیون اعتراضی در خارج کشور و صدور طومارهایی در داخل کشور محدود کرد. باید براساس سیاست جدید رژیم، سازمان‌یابی طبقه کارگر و کمپین دفاع از مبارزات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این طبقه را گسترده تر و مداوم تر کرد!

واقعه خاتون آباد، هنگامی آغاز شد که به کارگران قراردادی ذوب مس اعلام کردند که تصفیه حساب کرده و کار را ترک کنند. تعدادی از این کارگران، همراه با خانواده‌هایشان در اعتراض به اخراج خود در مقابل کارخانه تجمع می‌کنند و خواهان برگشتن به کار می‌شوند. اما نیروهای گارد ویژه جمهوری اسلامی، به اعتصاب کارگران کارخانه ذوب مس در خاتون آباد کرمان در روزهای جمعه و شنبه سوم و چهارم بهمن ماه ۱۳۸۲ حمله می‌کنند و تعدادی از کارگران متحصن را زخمی می‌نمایند. پس از این حمله، درگیری‌ها به درون شهر بابک، نزدیک‌ترین شهر به این کارخانه کشیده می‌شود. نیروهای گارد ویژه، به کارگران و مردم معترض شهرستان بابک که به حمایت از کارگران اعتصابی برخاسته بودند، از زمین و هوا آتش می‌گشایند. منابع رسمی رژیم، تعداد کشته‌شده‌ها را ۴ نفر و زخمی‌ها را نیز ۲۵ نفر و منابع غیررسمی شمار کشته‌شدگان را ۱۵ نفر و زخمی‌ها را بیش از ۳۰۰ نفر اعلام می‌کنند. کارگران و مردم شهر در مقابل این یورش وحشیانه و بی‌رحمانه نیروهای تا دندان مسلح گارد ویژه

ایستادگی می کنند و مراکز دولتی، از جمله فرمانداری و بانک ها را به آتش می کشند. به دنبال این واقعه هولناک، رژیم در شهرستان بابک، حالت فوق العاده نظامی برقرار می سازد و تعدادی زیادی از کارگران و مردم معترض را نیز دستگیر و زندانی و در زیر شکنجه قرار می دهد. مجتمع ذوب مس خاتون آباد با ۱۵۰۰ کارگر، در ۱۰۰ کیلومتری شهر بابک واقع شده است.

سردار قالی باف، فرمانده نیروی انتظامی در پاسخ به خبرگزاری کار ایران «ایلنا»، درباره واقعه خاتون آباد گفت: «ما در حوادث خاتون آباد مصوبات شورای تامین را دنبال کردیم و در جلسات این شورا به نیروی انتظامی مجوز تیراندازی داده شده بود». سردار عیسی فرمانده استان کرمان نیز در جمع خبرنگاران گفت: با مصوبه شورای تامین برای حل قضیه اعتصاب کارگری خاتون آباد که مدت زیادی به طول انجامیده بود ۱۰۰ نفر نیرو اعزام کردیم که بعد از پایان ماجرا در خاتون آباد وقایع شهر بابک شروع شد. وی با اشاره به دستگیری ۸۰ نفر در این واقعه گفت، هم اکنون ۱۵ نفر در بازداشت به سر می برند ک تاکنون در مورد پشت پرده در این حوادث چیزی نگفته اند و اظهار کرده اند که خودشان مردم را جمع کرده اند...».

این وحشی گری رژیم، مورد اعتراض و انتقاد جناح به اصطلاح «اصلاح طلبان» رژیم قرار نگرفت؛ جریانات راست، نظیر سلطنت طلبان و جمهوری خواهان که هیاهوی دفاع از «حقوق بشر» راه می اندازند، در مقابل به خاک و خون کشیدن کارگران، زبان شان بند می آید و جوهر قلم شان خشک می شود. انگار کارگران بشر نیستند. آقایان بهنود، شمس الواعظین، قلم به دست های طیف توده ای - اکثریتی، خان بابا تهرانی ها و... این قدر که برای حقوق «اصلاح طلبان» رژیم، جان فشانی می کنند، چرا نسبت به کشتار کارگران که فقط «جرم» شان دست زدن به اعتصاب برای گرفتن حق شان است، عکس العملی نشان نمی دهند؟ بدین ترتیب حقوق بشر در نزد این جریانات و شخصیت هایش از نوع «حقوق بشر جمهوری اسلامی» و ریاکاری فراتر نمی رود که شهروندان را به درجه یک و دو و سه و... تقسیم بندی می کند. در حالی که حقوق بشر باید جهان شمول باشد و براساس ملیت، جنسیت، شغل، طبقه و باور و عقیده تقسیم بندی نشود.

همبستگی با کارگران خاتون آباد

نیروهای جنبش کارگری کمونیستی، به محض این که از این واقعه دلخراش مطلع شدند، بلافاصله اقدامات مختلفی را در داخل و خارج کشور، در افشای این جنایت رژیم و در حمایت و پشتیبانی از کارگران معترض خاتون آباد به مرحله اجرا گذاشتند. جریانات کارگری، کمونیست و چپ و آزادی خواه، هر کدام نسبت به توان و ظرفیت خود به حمایت از کارگران خاتون آباد برخاستند. اما همان طور که در

بالا نیز اشاره کردیم، همه این اقدامات با ارزش و در جای خود موثر است؛ اما کافی نیست. مبارزه طبقاتی و حضور فعال در این مبارزه و دفاع از مبارزه طبقاتی کارگران، از گرفتن دستمزدهای معوقه، افزایش دستمزدها متناسب با گرانی و تورم و هزینه‌های واقعی خانواده‌های کارگری، بیمه بی‌کاری مکفی، حق مسکن، حق اولاد، بهداشت و تحصیل رایگان، حق آزادانه تشکل، حق اعتصاب تا تدوین یک قانون کار دمکراتیک مستقیماً توسط خود کارگران، عرصه‌های گسترده و متنوعی را در برمی‌گیرد و مهم‌تر از همه این تلاش‌ها باید در جهت مبارزه بر علیه کلیه اشکال و ستم و استثمار بورژوازی، با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری سوسیالیستی با روابط و مناسبات شورایی باشد. بنابراین مبارزه طبقاتی باید با یک سازمان‌دهی هدف‌مند، آگاه و پیگیر تداوم پیدا کند. در پایین به دو نمونه از همبستگی با کارگران مجتمع مس خاتون‌آباد اشاره می‌کنیم:

کارگران ایران خورو، کشتار کارگران خاتون‌آباد را با صدور اطلاعیه‌ای محکوم کردند: همکاران گرامی و کارگران زحمتکش، حامیان سرمایه‌داران کارگران را به گلوله بستند. روز جمعه سوم بهمن ماه، در ماه خون و قیام حامیان سرمایه کارگران بی‌دفاع خاتون‌آباد شهر بابک را که چیزی غیر از کار و امنیت شغلی نمی‌خواستند را وحشیانه آماج گلوله‌های خود قرار داده و تعدادی از کارگران زحمتکش را کشته و عده زیادی از مردم را به خاک و خون کشیدند. ما کارگران ایران خودرو ضمن محکوم کردن حمله وحشیانه به کارگران، از خواسته‌های به حق کارگران مس خاتون‌آباد پشتیبانی کرده و از تمام سازمان‌های حقوق بشر به خصوص سازمان‌های کارگری می‌خواهیم که ضمن محکومیت کشتار کارگران بی‌دفاع به هر طریقی ممکن به یاری آنان بشتابند.

کارگران کردستان در سنندج، کامیاران و سقز نیز با صدور اطلاعیه و طومارهایی به دفاع از هم‌طبقه‌ای‌های خود برخاستند. کارگران خباز شهرستان سقز در استان کردستان، در بخشی از اطلاعیه خود در پشتیبانی از کارگران خاتون‌آباد و محکوم کردن حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به کارگران متحصن خاتون‌آباد نوشتند: «... کارگران مجتمع مس خاتون‌آباد شهر بابک در استان کرمان، تنها به جرم درخواست برای کار، از زمین و هوا مورد حمله نیروهای امنیتی قرار می‌گیرند که تعداد ۴ نفر از کارگران جان خود را از دست می‌دهند. ما ضمن تسلیت به بازماندگان این فاجعه دل‌خراش، از کلیه سازمان‌ها و انجمن‌های کارگری می‌خواهیم که در برابر این حمله ضدانسانی به صفوف کارگران متحصن سکوت نکنند و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان دولت برسانند. ما پیگیرانه خواستار محاکمه مسببین این جنایت هستیم.»

در پایان این اطلاعیه خطاب به کارگران کردستان تاکید شده است: «کارگران کردستان، امروز اگر به صفوف کارگران در استان کرمان حمله می‌کنند فردا نوبت ماست. بیایید تا اسلحه متحد شدن را در برابر نظام سرمایه‌داری ایران، با عزم راسخ را به دست بگیریم و در برابر هرگونه گرایش‌های سازش‌کارانه متحد و یک‌پارچه به پا خیزیم. کارگران ایران برای پایان دادن به حمله‌های جمهوری اسلامی متحد شوید. برقرار باد آزادی، برابری، حکومت کارگری. سرنگون باد نظام سرمایه‌داری ایران!»

یکی از کارگرانی که در واقعه اخیر شهر بابک دستگیر و زندانی و شکنجه شده است؛ عملکرد غیرانسانی نیروهای سرکوبگر رژیم را به شکل طنز بیان کرده است. این جوان کارگر، که سخنان او همراه با عکس زخمی‌اش در سایت «پیک ایران» درج گردیده، چنین می‌نویسد: «چرا می‌زنی من یک کارگر هستم؟ آقا نزن من که چیزی نگفتم! من کار می‌خواستم همین و بس!! حالا شما تشخیص می‌دهید که ما دیگر به درد کار نمی‌خوریم و مزاحم کار و کاسبی (معذرت می‌خواهم دزدی‌های) شما هستیم خود می‌ریم! به هر حال این ماهی ۷۰۰۰۰ تومانی که به ما می‌دهید آیا این قدر ارزش دارد که با که از صبح تا شب برای شما کار می‌کردیم و حقوق مان هر چه قدر هم کم بود دم نمی‌زدیم!... حالا چرا با گلوله و باتوم ما را می‌زنی؟ آیا فقر و ناداری بسمان نیست؟! آیا فکر نمی‌کنید ما نان خوردن نداریم چه برسد به پول دوا و درمان جراحی گلوله و باتوم؟ حالا که من زخمی هستم روز رای‌گیری چگونه بیایم پای صندوق رای؟ و باعث زحمت‌تان می‌شود که بخواهید صندوق بفرستید در خانه ما، هر چند که شما آن قدر پرو هستید که این کار را نکنید. اما بزن باز هم بزن و این بار محکم‌تر از مرتبه قبل، چون پیروز این میدان من هستم. شاید بزرگ‌ترین خدمتی که در این چند سال در حق من کردید همین زخم‌های گلوله و تازیانه‌های سربازانت بود که بیدارمان کرد و چهره گرگ صفت را که در پشت ظاهری بره‌نما مخفی ساخته بودی برایمان نمایان کرد و حجت بر ما تمام کرد که رژیم آخوندیسم ایران از کشتن کارگران نیز ابایی ندارد کاری که کم‌تر دیکتاتوری دست به آن می‌زند. حال در روز رای‌گیری منتظر باش تا من به پای صندوق بیایم و از انتظار بمیر چون دیگر آمدن ما را نخواهی دید».

مسئله کارگران، کمونیست‌ها و توده‌های محروم و تحت ستم، با گسترش مبارزات طبقاتی خود و سراسری کردن این مبارزات و دست زدن به اعتصاب و اعتراض برای تحمیل مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به رژیم و آماده کردن جامعه برای تحولات سرنوشت‌ساز انقلابی، آن جواب مناسب سیاسی و اجتماعی و انسانی، به وحشی‌گری‌ها و گستاخی‌های رژیم جمهوری اسلامی و نیروهای

سرکوبگرش است.

شرایط تاریخی حساس و موقعیت جدیدی در جامعه ایران، در حال شکل‌گیری است؛ کارگران کمونیست‌ها باید از این موقعیت به نفع سازمان‌یابی خود و برپایی تشکل‌های مستقل ضد سرمایه‌داری‌شان استفاده کنند.

انقلاب و زیررو کردن بنیادهای ماشین بورژوازی و لغو مالکیت خصوصی و کار مزدی و پایان دادن به استثمار انسان از انسان، جواب شایسته و مناسب سیاسی و انسانی کارگران و کمونیست‌ها به رژیم‌های بورژوازی از جمله رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران است. تنها با یک انقلاب اجتماعی می‌توان به سرکوب، کشتار، اختناق، شکنجه، اعدام، ترور، تبعیض، نابرابری و فقر و فلاکت خاتمه داد و یک جامعه آزاد و برابر انسانی ساخت!

یاد مومنی، مهدوی، ریاحی و جاویدی، کارگران جان‌باخته واقعه هولناک خاتون‌آباد را گرامی می‌داریم و با بازماندگان و هم‌طبقه‌ای‌های آن‌ها عمیقاً هم‌دردی و همبستگی می‌نماییم.

۸ فوریه ۲۰۰۴